

متن پرسش

با سلام و احترام: بی زحمت از سردرگمی و شکاکیت و دو دلی با پاسخ استدلالی و عقلی و منطقی درم بیارید!! شک و شبهه ام این است سرورم که برام از نگاه اعتقادی بررسی و تحلیل بفرمایید این صحبت ها و این منقولات را که گفته شده: که شبهات و تشکیکاتی که فلسفه های کانت و هگل به مباحث اعتقادی ما وارد ساختند را فقط و فقط می توان از طریق فلسفه ملاصدرا آن شبهات و تشکیکات را به عالی ترین وجه ممکن دفع و خنثی کرد و اگر این سخن درست باشد پس چرا عده ای از علماء و فضلاء و اساتید مباحث کلام و عقاید در حوزه های علمیه و دانشگاهها مخالفت و نقد شدید علمی دارند از ورود فلسفه ملاصدرا به مباحث الهیات و اعتقادات دینی مان و اگر این نقد های علمی ای که این قسم از علماء و فضلاء به ورود فلسفه ملاصدرا به مباحث الهیات و اعتقادات دارند درست و صحیح باشد پس چطور می خواهند با تشکیکات و شبهات سنگین فلسفی که فلسفه غرب به مباحث اعتقادی مان وارد کرده مقابله و آنان را دفع و خنثی نماییم چون اگر خاطر شریف تان باشد آنان منقولات و آیات و روایات و احادیث را به هیچ وجه قبول نداشته و می بایست از نگاه و منظر و دریچه استدلال و منطقی و عقل و مباحث تحلیلی ورود کرد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فلسفه صدرایی هدیه ای است الهی که به قلب جناب صدرالمتألهین «رضوان الله تعالی علیه» اشراق شده. درست در زمانی که دکارت طرح فلسفه خودبنیادش را مطرح کرد. کسانی که متوجهی فلسفه صدرالمتألهین نیستند، متوجهی تاریخی که در آن زندگی می کنند، نمی باشند. در حالی که رهبر انقلاب این انسان هوشیار به این تاریخ در رابطه با مکتب صدرا می فرمایند: «مکتب فلسفی صدرالمتألهین همچون شخصیت و زندگی خود او مجموعه ی در هم تنیده و به وحدت رسیده ی چند عنصر گرانبهاست. در فلسفه ی او از فاخرترین عناصر معرفت یعنی عقل منطقی و شهود عرفانی و وحی قرآنی، در کنار هم بهره گرفته شده و در ترکیب شخصیت او تحقیق و تأمل برهانی و ذوق و مکاشفه ی عرفانی و تعبد و تدین و زهد و انس با کتاب و سنت، همه با هم دخیل گشته» [۱]. موفق باشید

[۱] (۱) - پیام مقام معظم رهبری به کنگرهی بزرگداشت صدرالمتألهین در تاریخ ۱ / ۳ / ۱۳۷۸.